

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا^(س)
سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۴۴، پیاپی ۱۳۴، زمستان ۱۳۹۸ / صفحات ۹۳-۷۱

جایگاه طرابوزان در محاصره بری آنتولی توسط ایلخانان مغول^۱

احمد فضل‌نژاد^۲
عبدالرسول خیراندیش^۳

تاریخ ارسال: ۹۸/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۳۰

چکیده

آنتولی (آسیای صغیر) در دوره پنجاه ساله کشورگشایی مغول، اهمیتی روزافزون برای مغولان داشت. تا استقرار دولت ایلخانان در ایران، آنها نواحی شرقی و مرکزی آنتولی را متصرف شدند، سپس تا پایان حیات آن دولت تا مرزهای بیزانس متصرفات خود را گسترش دادند. از این پس، بیش از هر چیز هدف ایلخانان قطع ارتباط میان دو دولت اردوی زرین یعنی مغولان روسیه و مملوکان مصر و شام بود. ایلخانان در عمل برای جلوگیری از ارتباط بیشتر این رقیبان، اقدام به نوعی محاصره بری آنتولی کردند که با بهره‌مندی از موقعیت بندر طرابوزان، موفقیت زیادی در این زمینه به دست آوردند. در میانه این رابطه، دولت بیزانس قرار گرفته بود که پایتخت آن قسطنطنیه اهمیت ارتباطی و تجاری مهمی داشت. بر همین اساس، دولت ایلخانان خود را ناچار به دوستی با بیزانس می‌دید، اما بیزانس برای حفظ حیات تجاری خود، ناچار به موازنه میان جمهوری‌های تجاری ونیز و جنوا بود که با بندرهای کافا در شمال دریای سیاه و اسکندریه در جنوب مدیترانه رابطه داشتند. این نیز امری نبود که دولت ایلخانان بتواند آن را نادیده بگیرد. در این حال، بندر طرابوزان که به صورت انحصاری در دسترس ایلخانان قرار داشت، به صورت کانون اصلی سیاست این دولت در قبال همه کشگرانی بود که در بالا به آن اشاره شد و طی قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی به صحنه تجارت و سیاست دریای سیاه وارد شد.

واژه‌های کلیدی: طرابوزان، محاصره بری، ایلخانان، اردوی زرین، ممالیک

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2020.25920.2000

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) fazlinejad@shirazu.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز؛ akheirandish@roze.shirazu.ac.ir

مقدمه

«محاصرهٔ بحری» محاصره یک سرزمین از طریق دریا و با استفاده از کشتی است؛ به گونه‌ای که مسیرهای ارتباط دریایی آن به طور کامل و مؤثر بسته شود، اما «محاصرهٔ بری» با ممنوعیت هدفمند تمام یا قسمتی از فعالیت یک بندر خودی انجام می‌شود. برای بررسی نقشی که بندر طرابوزان در سیاست خارجی ایلخانان در مدیترانهٔ شرقی داشت، مدل محاصره بری آناتولی گویایی و کارایی جالب توجهی دارد. اصطلاح محاصرهٔ بری نخستین بار و به طور مشخص در اروپای عصر ناپلئون به وجود آمد. این اصطلاح که از آن به صورت «سیستم قاره‌ای»^۱ هم یاد می‌شود، اشاره به سیاست ناپلئون در محاصرهٔ تجاری بریتانیا از طریق منع بندرهای اروپایی از تجارت با آن کشور دارد. این امر نوعی محاصرهٔ دریایی (بحری) ناقص جزیره بریتانیا به شمار می‌آمد، اما واقعیت آن بود که کشورهای اروپایی به خواست ناپلئون و به دست خود، خویشتن را محاصره کرده بودند. از این رو، پس از گذشت چند سال، اعتراض و استنکاف دولت‌های اروپایی متحد یا تابع ناپلئون بدان پایان بخشید.

در این پژوهش، با توجه به محاصرهٔ بری بریتانیا در اوایل قرن نوزدهم، الگوی مشابه آن در آناتولی در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی مورد بررسی قرار گرفته است. در این باره، طرابوزان به عنوان کانون مرکزی توجه ایلخانان برای ممانعت از حضور تجاری دولت‌های رقیب، یعنی اردوی زرین و ممالیک مصر در آناتولی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

هنگامی که مغولان به فرماندهی چنگیز پیشروی به سوی غرب یعنی قلمرو خوارزمشاهیان را در سال ۶۱۲ق/ ۱۲۱۵م. آغاز کردند، دو رشته تحول در نواحی غربی آسیا و بدون هیچ ارتباطی با مغولان در جریان بود. یکی، تحولات جنگ‌های صلیبی که از جملهٔ آنها تصرف قسطنطنیه در سال ۶۰۰ق/ ۱۲۰۴م. توسط صلیبیون بود. این امر موجب شکل‌گیری دولت مسیحی طرابوزان شد که در نظر داشت حیات سیاسی و تجاری قسطنطنیه را ادامه دهد. تحول دیگری که آن هم بی‌ارتباط با جنگ‌های صلیبی نبود، زوال تدریجی دولت ایوبیان و برآمدن دولت مملوکان از درون آن در مصر و شام (۶۴۷ق/ ۱۲۴۹م) بود. پنجاه سال بعد از گسترش قلمرو مغولان به طرف غرب، درحالی‌که آنها به سواحل مدیترانه نزدیک می‌شدند و این با درهم شکستن دولت سلجوقیان روم در سال ۶۳۹ق/ ۱۲۴۱م. و انقراض دولت عباسیان در سال ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م. صورت گرفته بود، دو تحول پیش‌گفته به سرانجام مشخصی رسیده بودند. دولت بیزانس پس از پنجاه سال احیا شد و بندر طرابوزان نیز دارای دولتی مسیحی و تجارت‌پیشهٔ خاص خود در ساحل دریای سیاه شده بود. این دولت از ابتدا سیاست نزدیکی به

ایلخانان را در پیش گرفت. همچنین دولت ایوبیان به پایان رسید و دولت مملوکان در مصر و شام به قدرت دست یافت و از همان ابتدا به صورت دشمن بزرگ ایلخانان درآمد. به خصوص آنکه خلافت منقرض شده عباسی در بغداد را در قاهره احیا کرد. در فاصله سال‌های ۶۱۶-۶۵۶ق/۱۲۱۹-۱۲۵۸م. که این تحولات صورت گرفت، آثار تجزیه در امپراتوری مغول نیز ظاهر شد. همان‌گونه که در ایران دولت ایلخانان از نسل تولوی پسر چنگیزخان صاحب قدرت و قلمرو شده بود، در روسیه نیز از نسل جوچی پسر چنگیز دولت بزرگی به وجود آمد که بیشتر به «اردوی زرین» مشهور شده است. البته در این هنگام فرزندان جغتای و اکتای دیگر پسران چنگیزخان نیز صاحب قسمت‌هایی از امپراتوری مغول شده بودند، اما در اصل شکاف در امپراتوری مغول میان فرزندان جوچی و تولوی بود. پایتخت آنها نیز چندان از هم دور نبود. پایتخت اردوی زرین در شهر «سرای» در شمال دریای مازندران و پایتخت ایلخانان در تبریز در غرب همین دریا قرار داشت. واقعیت آن است که ایلخانان که با اندکی تأخیر دولت خود را در ایران تأسیس کرده بودند، تا حدودی به ملاحظه رقابت و مقابله با اردوی زرین، تبریز را به پایتختی برگزیده بودند. مرز اصلی آنها نیز منطقه قفقاز بود، اما همچنان که دریای مازندران میان قلمرو آنها واقع شده بود، دریای سیاه نیز در دو سوی مرزهای آنها قرار داشت. جالب توجه آنکه دریای مازندران کمتر عرصه رقابت میان آنها شد و بیشتر دریای سیاه صحنه رقابت سیاسی و اقتصادی آنها به شمار می‌آمد. برخوردهای نظامی میان آنها نیز در امتداد مرزهای زمینی قفقاز صورت می‌گرفت. واقعیت آن بود که به جز دو باریکه ساحلی شرق و غرب دریای مازندران که عرصه کشمکش میان آنها بود، دریای مازندران موضوعیتی در میان آنها نداشت، اما در دریای سیاه هر دو طرف منافع اقتصادی و تجاری داشتند. اردوی زرین به بندر کافا^۱ در شمال و ایلخانان به طرابوزان در جنوب این دریا دسترسی داشتند. در همان حال، قسمتی از اهمیت این بندر مربوط به علائق تجاری دو جمهوری رقیب تاجریپیشه و نیز و جنوا نیز بود؛ امری که مورد توجه اردوی زرین و ایلخانان نیز بود. این زمینه از خصومت و رقابت میان دو دولت مغولی که به اختلافات ارضی و جنگ‌های مرزی نیز کشیده شده بود، از سال ۶۵۸ق/۱۲۵۹م. یعنی دو سال پس از تأسیس دولت ایلخانان و طی نبرد «عین جالوت» که به ناکامی ایلخانان در دسترسی به سواحل مدیترانه شرقی منتهی شد، ابعاد جدیدی به خود گرفت؛ زیرا دو دولت مملوکان و اردوی زرین به هم نزدیک شده بودند و با اسلام‌پذیری مغولان روسیه و استقرار مجدد خلافت در قاهره، این نزدیکی بیشتر نیز شد. این واقعیت نیز وجود داشت که نفرات ارتش مملوکان که مرکب از سربازانی با منشأ غلامی بود، از قلمرو

اردوی زرین تأمین می‌شد. از این رو یک خط تجاری برای انتقال این غلامان از دریای سیاه به مدیترانه و فروش به دولت مملوکان وجود داشت. در این مسیر تجاری، دولت بیزانس که به تازگی در قسطنطنیه تجدید حیات کرده بود، نقش مهمی داشت. پس هم مملوکان و هم اردوی زرین نیاز به حفظ دوستی با بیزانس داشتند. در این حال دولت ایلخانان نیز دریافته بود که از طریق دوستی با بیزانس، ممکن است بتواند این رابطه را قطع کند. در رقابتی که میان دو طرف برای جلب دوستی بیزانس به وجود آمد، دولت ایلخانان تأکید و توجه به طرابوزان را از یک سو عاملی برای گسترش نفوذ و آزادی عمل خود در قبال اردوی زرین می‌دانست و از سوی دیگر ابزاری برای تعامل با بیزانس می‌دید. از این رو، طرابوزان جایگاه مهمی در سیاست ایلخانان یافت. البته بیش و پیش از آن، طرابوزان موقعیت خود را از توجه دو دولت ونیز و جنوا یافته بود که تجارت توأم با رقابت در مدیترانه را به نام خود کرده بودند. بدین ترتیب، دولت ایلخانان در شرایط پیچیده‌ای از مناسبات سیاسی خارجی خود قرار گرفته بود و در شرایطی که نیرویی برای عمل در دریای سیاه نداشت، ملاحظه‌خواست و نظر دولت طرابوزان اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در همان حال، جلب همراهی بیزانس برای ممانعت از تعامل سیاسی و اقتصادی مملوکان با اردوی زرین ضروری بود و می‌بایست از میان دو دولت تاجرپیشه ونیز و جنوا جانب یکی را گرفت. بدون شک، این تصمیم بر مناسباتی که لازم بود جلب نظر پاپ پیشوای مسیحیان (اروپا) را در پی داشته باشد و همکاری با صلیبیون مستقر در ساحل شام را هم موجب شود، تأثیر می‌گذاشت. از این رو، پیچیدگی عمل سیاسی بین‌الدولی را در سراسر دوره ایلخانان به‌ویژه دوره ارغون‌خان، در قبال دریای سیاه از نوع محاصره بری به دنبال آورد که تاکنون در تاریخ آن دولت مورد توجه دقیق قرار نگرفته است.

پیشینه تحقیق

در مورد جایگاه طرابوزان در مناسبات ایلخانان در آناتولی، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اما بعضی از پژوهش‌ها در این باره دارای اهمیت‌اند. «وینفلد»^۱ مقاله‌ای در مورد مرزهای جنوب شرقی طرابوزان در قرن سیزدهم میلادی نوشته است. وی در این مقاله آورده است بیشتر درآمد امپراتوری طرابوزان از راه تجارت، به‌خصوص با مسلمانان به دست می‌آمد؛ به‌ویژه آنکه پس از تصرف بغداد در ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م. توسط هلاکو، تغییر عمده‌ای در تجارت شرق ایجاد شد و طرابوزان جای بغداد را در مناسبات تجاری شرق و مدیترانه شرقی گرفته بود (Winfield, 1962: 170-171).

«رستم شکوروف»^۱ در اثر خود به حضور خارجی‌ها در امپراتوری طرابوزان طی قرن‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی پرداخته است. پژوهش وی از نظر بررسی آماری حضور اقوام مختلف در طرابوزان و تأثیر آنها بر زبان و فرهنگ ساکنان آن، دارای اهمیت است (Shukurov, 2012: 72).

پژوهش دیگر مربوط به «دی کوزمو»^۲ است که به نقش مغول‌ها در مناسبات تجاری قرن‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی در کرانه دریای سیاه پرداخته و از جهاتی به اهمیت طرابوزان در این زمینه اشاره کرده است (۲۰۰۵). همچنین بعضی مدخل‌های *The Encyclopaedia of Islam* در این مورد اهمیت زیادی دارند. از جمله مقاله «Tarabzun» نوشته فاروقی^۳ که روند تاریخ و شکل‌گیری امپراتوری و مناسبات آن با دیگر دولت‌ها را بیان کرده است.

«چارلز ملویل»^۴ در کتاب *The Cambridge History of Turkey* فصل مربوط به «آناتولی تحت سلطه مغولان» را نوشته است که در موضوع حاضر اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد. این تحقیق در نظر دارد با قرار دادن طرابوزان در کانون این معادله چندجانبه سیاسی، جایگاه دولت بندری طرابوزان را در ساحل جنوبی دریای سیاه در موازنه‌ای که پدید آمده بود، بازشناسی کند.

اهمیت تجاری و سیاسی طرابوزان پیش از استقرار ایلخانان (از نبرد ملازگرد تا نبرد کوسه‌داغ)

تا قرن هفتم قمری جغرافی‌دانان و مورخان مسلمان از طرابوزان به عنوان یک مرکز بازرگانی مهم در آسیای صغیر یا به تعبیر آنها «بلاد روم» یاد کرده‌اند. اصطخری طرابوزان را سرحد روم خوانده است که بازرگانان همه در آنجا جمع می‌شدند و کالاها و اقلام تجاری را مبادله می‌کردند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۸). مسعودی به بازارهای سالانه آن و حضور تاجران مسلمان در طرابوزان اشاره کرده و نوشته است بسیاری از ساکنان آنجا در زمان انوشیروان و به فرمان او در آن سرزمین اقامت گزیدند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/۱۷۴). بیشتر جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان مسلمان از جمله ابن‌حوقل در آثار خود طرابوزان را در ذیل «ارمینیه و اران و آذربایجان» بیان کرده‌اند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۹۱).

در سال ۶۰۱ق/ ۱۲۰۴م. که صلیبی‌ها به قسطنطنیه هجوم بردند و پس از غارت و نابودی

1. Rostam Shukurov
2. Di Cosmo
3. Faroqhi
4. Charles Melville

آثار تمدن بیزانسی، دولت لاتینی قسطنطنیه را تأسیس کردند، تعدادی از شاهزادگان یونانی از آنجا گریختند و در طرابوزان دولت قدرتمندی تشکیل دادند. این دولت تا حدود ۸۶۴ق/ ۱۴۵۹م. که توسط سلطان محمد دوم عثمانی از بین رفت، دوام آورد و به دلیل موقعیت مهم جغرافیایی خود، تأثیر زیادی بر تحولات سیاسی و اقتصادی قرن هفتم تا نهم قمری/ سیزدهم تا پانزدهم میلادی در منطقه داشت. طی این دوران، مورخان مسلمان از شاهان طرابوزان و سایر سلاطین آسیای صغیر با لقب «تکفور» یاد می‌کردند؛ چنان‌که ابن‌بی‌بی در *تاریخ سلاجقه* روم بارها سلاطین طرابوزان را «تکور» نامیده است (ابن‌بی‌بی، ۱۹۰۲: ۵۴-۵۸). کلمه تکفور یا تکور از واژه ارمنی «تاگاور»^۱ گرفته شده که به معنی پادشاه است و اصل آن «تاج ور» فارسی دانسته می‌شود (ر.ک. به: جوینی، حواشی و اضافات از محمد قزوینی، ۱۳۹۱: ۹۶۳-۹۶۸).

مهم‌ترین رویداد مربوط به نقش و اهمیت طرابوزان در مناسبات سیاسی و بازرگانی ایران در دوره پیش از مغول، تصرف آناتولی توسط سلجوقیان و حکومت بیش از دو بیست ساله آنها پس از نبرد ملازگرد (۶۴ق/ ۱۰۷۱م) تا آغاز سلطه مغولان است. نفوذ سلجوقیان در آناتولی به پیش از نبرد ملازگرد برمی‌گردد؛ یعنی آن هنگام که در سال ۴۴۰ق/ ۱۰۴۸م. ارزروم را فتح کردند و تا طرابوزان و آناتولی مرکزی پیش رفتند و با غارت ملاطیه (۴۴۹ق/ ۱۰۵۷م)، سیواس (۴۵۷ق/ ۱۰۶۴م) و قیصریه و قونیه (۴۶۰ق/ ۱۰۶۷م)، راه ورود سپاه خود به سمت بوسفور را هموار کردند. نبرد ملازگرد میان آلبارسلان سلجوقی و رومانوس چهارم امپراتور بیزانس در سال ۴۶۴ق/ ۱۰۷۱م. پایانی بر فرمانروایی بیزانس بر آناتولی به شمار می‌رود. پیامدهای این نبرد بسیار گسترده بود و سرنوشت سیاسی و اجتماعی آسیای صغیر را دگرگون ساخت. ده سال پس از نبرد ملازگرد، آسیای صغیر از دست بیزانس خارج شد. مهم‌ترین مناطق آسیای صغیر یعنی شهرهای تجاری و اقتصادی جنوب دریای سیاه، در دست ترکان سلجوقی قرار گرفت. در دوره ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ق/ ۱۰۷۲-۱۰۹۲م) سلیمان بن قتلمش شاهزاده سلجوقی، به فرمان سلطان در آسیای صغیر به ادامه فتوحات پرداخت و در سال ۴۷۰ق/ ۱۰۷۷م. به‌طور رسمی فرمانروای آسیای صغیر شد. او پس از تسلط بر آناتولی، تا غربی‌ترین مناطق آن پیش رفت و «نیقیه» را به عنوان پایتخت خود برگزید. با فتح انطاکیه در سال ۴۷۱ق/ ۱۰۷۸م، حدود دولت سلجوقی از طرف غرب به دریای مدیترانه رسید. از این زمان تا سال ۷۰۷ق/ ۱۳۰۷م. که مغولان بر آسیای صغیر و آناتولی مسلط شدند، دولت سلجوقی روم در رقابت با امپراتوری بیزانس، بر مناطقی از این سرزمین حکمروایی کرد (مجهول المؤلف، ۱۳۷۵: ۷۸ به بعد).

در حکومت علاءالدین کیقباد اول، دسترسی سلجوقیان به راه‌های بازرگانی شمال-جنوب آناتولی و برقراری روابط تجاری با ونیزی‌ها که از دشمنان بیزانس نیز بودند، هموار شد. همچنین راه مناسبات تجاری با اسکندریه مصر و بنادر دریای سیاه با شبه‌جزیره کریمه بر سلجوقیان گشوده شد (Darley-Doran, 1995: 8/949).

یکی از مهم‌ترین اقدامات کیقباد اول لشکرکشی به منطقه طرابوزان برای تثبیت موقعیت سلجوقیان در بندر سینوپ بود. او در این بندر ناوگانی ساخت که برای تجارت با بندر سوداق در کریمه به کار می‌رفت. ابن‌بی‌بی از انگیزه سلطان برای تسلط بر سوداق سخن گفته و دلیل آن را شکایت‌های متعدد بازرگانان در مورد ناامنی و راهزنی از آنها دانسته است (ابن‌بی‌بی، ۱۹۰۲: ۱۲۷-۱۲۸). همچنین سلجوقیان با تصرف سینوپ، منطقه طرابوزان را به یکی از خراج‌گزاران خود تبدیل کردند و بر راه‌های تجاری سوداق به طرابوزان و طرابوزان به سوریه و ایران مسلط شدند.

در دوره حاکمیت سلجوقیان بر آناتولی، طرابوزان مهم‌ترین مرکز بازرگانی منطقه و محل به هم رسیدن مسیرهای تجارت زمینی و دریایی شرق و غرب بود. تجارت دریایی طرابوزان با بنادر شمالی دریای سیاه و به‌ویژه «خرسون»^۱ و تجارت خشکی با سوریه و قفقاز تا آسیای مرکزی گسترده بود. انواع غلات و ادویه و سایر محصولات شرقی، از راه طرابوزان به قسطنطنیه ارسال می‌شد. ابریشم و پارچه‌های زربفت از طرابوزان که به بازار فروش بزرگ انواع اقلام و کالاها تبدیل شده بود، به سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی وارد می‌شد (Laiou, 2002: 1/748).

در سال ۶۲۹ق / ۱۲۳۱م. مغولان با شکست سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه (۶۱۷-۶۲۹ق / ۱۲۲۰-۱۲۳۱م)، آخرین بقایای دولت خوارزمشاهی را در ایران، عراق و آذربایجان از بین بردند و بدین ترتیب به مرزهای آناتولی نزدیک شدند. پس از آن فرماندهی آذربایجان و ارمنستان به جورماغون رسید و حاکمیت بر اراضی منتهی به محدوده قلمرو سلجوقیان روم را به دست گرفت. علاءالدین کیقباد اول (۶۱۶-۶۳۴ق / ۱۲۱۹-۱۲۳۶م) در سال ۶۳۴ق / ۱۲۳۶م. به اطاعت از مغولان موافقت کرد، اما قبل از انجام آن از دنیا رفت. جانشین وی، کیخسرو دوم (۶۳۵-۶۴۴ق / ۱۲۳۷-۱۲۴۶م) نیز اطاعت خود را نسبت به اکتای فرمانروای مغول اعلام کرد.

در سال ۶۳۹-۶۴۰ق / ۱۲۴۱-۱۲۴۲م. بایجو فرمانده مغولان، به قصد دستیابی به مراتع بیلاقی در ارمنستان، به لشکرکشی علیه دولت سلجوقیان روم اقدام کرد. کیخسرو دوم برای مقابله با مغولان، ارتش بزرگی از نیروهای خود و متحدانش که شامل امپراتوری‌های طرابوزان

و نیکیه^۱ (بیزانس) بود، گرد آورد. نبرد مغولان با سلجوقیان در سال ۶۴۱ق/ ۱۲۴۳م. در کوسه‌داغ در ارزنجان، به شکست کامل سلجوقیان انجامید. این نبرد آغاز سلطه مغولان بر آناتولی بود و از آن پس سلجوقیان روم دولت تابع مغولان شد. در واقع، پس از نبرد کوسه‌داغ هم قلمرو سلجوقیان روم، هم ارمنستان صغیر^۲ و هم طرابوزان بخشی از امپراتوری مغول شدند (ابن بی‌بی، ۱۹۰۲: ۲۴۰-۲۳۷). این تحولات تغییری در موقعیت تجاری طرابوزان به وجود نیاورد و بیست سال بعد که دولت ایلخانان بر سر کار آمد، اهمیتی روزافزون در سیاست خارجی آن دولت یافت.

سیاست نخستین ایلخانان در رابطه با طرابوزان (هلاکو و اباقا)

تا قبل از تأسیس دولت ایلخانان، رونق و شکوفایی طرابوزان بیشتر به دلیل میزان قابل توجه اقلام و کالاهایی بود که از این بندر به مراکز داخلی آناتولی و قسطنطنیه و از آنجا به مدیترانه ارسال می‌شد. کالاهایی نظیر نقره، آهن، زاج سفید، الوار، شراب، پارچه و فندق از آن جمله بودند، اما با استقرار دولت ایلخانان در آذربایجان و اتخاذ یک سیاست بازرگانی بین‌المللی توسط آنان، عامل دیگری نیز به رونق تجاری طرابوزان افزوده شد و آن گشایش راه تجاری شرق و گسترش ارتباطات تجاری این بندر با مناطق وسیع‌تری از جهان بود (Bryer, 1980: 3). از آن پس طرابوزان بخشی از راه بین‌المللی تجاری بود که انواع کالاها را از هند به ایران و از طریق تبریز به طرابوزان و سپس جهان مدیترانه‌ای انتقال می‌داد.

با فتح بغداد در سال ۶۵۶ق/ ۱۲۵۸م. توسط هلاکو و استقرار دولت ایلخانان در آذربایجان، مشرق و مرکز آناتولی بخشی از قلمرو این دولت شدند. هنگامی که این سیاست زمین‌گستری به شام کشیده شد، به شکست ارتش ایلخانان در برابر مملوکان در سال ۶۵۸ق/ ۱۲۵۹م طی نبرد عین جالوت منتهی شد که از نتایج پایدار آن عدم دسترسی به سواحل شام و مدیترانه و دشمنی شدید ایلخانان و مملوکان علیه یکدیگر بود. یکی از نخستین اقدامات هلاکو خلع عزالدین کیکائوس فرمانروای روم سلجوقی به خاطر اتحاد با سلطان مملوک الملک‌الظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۶ق/ ۱۲۵۹-۱۲۷۷م) بود. این اقدام سلسله رویدادهایی را به دنبال داشت که به اتحاد مغول‌های اردوی زرین، مملوکان، سلجوقیان و بیزانسی‌ها علیه ایلخانان انجامید و

۱. این هنگام چون قسطنطنیه در اشغال صلیبیون بود، دولت بیزانس به حالت تبعید در نیکیه در غرب آناتولی مستقر شده بود.

۲. ارمنستان صغیر (Lesser Armenia) که بدان کیلیکیه هم می‌گویند. سرزمینی است در جنوب آناتولی و مشرف بر خلیج اسکندرون. نقطه مقابل آن ارمنستان کبیر (Great Armenia) است که در گوشه شمال شرقی آناتولی تا قسمتی از قفقاز گسترده است.

برای مدتی کوتاه دسترسی ایلخانان به دریای سیاه و مدیترانه از طریق آناتولی را قطع کرد. البته این اتحاد به دلیل هراس میخائیل هشتم پالولوگوس امپراتور بیزانس از انتقام جویی هلاکو فرو پاشید (Ciociltan, 2012: 242)، اما سیاست هلاکو از همان ابتدا کنترل راه‌های تجاری آناتولی و به عبارتی محاصره بری آناتولی برای جلوگیری از انتقال کالا و برده از قلمرو اردوی زرین به قلمرو ممالیک بود؛ به همین دلیل در سال ۶۶۲-۶۶۳ق/ ۱۲۶۳-۱۲۶۴م. میخائیل هشتم را زیر فشار قرار داد تا ارتباطات بین خاندان جوچی و ممالیک را از مسیر گذرگاه بوسفور قطع کند (Ibid: 243). پیش از آن در سال ۶۵۹ق/ ۱۲۶۱م. امپراتور بیزانس به کمک جنوایی‌ها موقعیت خود را دوباره به دست آورد و پایتخت خود را از نیکیه به قسطنطنیه منتقل کرد که این رویداد موجب اختلال و حتی قطع ارتباط ونیزی‌ها با طرابوزان از گذرگاه بوسفور شد (Faroqhi, 2000: 10/217). بنابراین مسیرهای تجاری آناتولی به‌ویژه طرابوزان به تبریز و از آنجا به هند و چین اهمیتی دوچندان یافت. از آن پس نوعی سیاست دریایی ایلخانان شکل گرفت که چند هدف را دنبال می‌کرد. نخست، جلوگیری از انتقال کالا و برده از سرزمین‌های اردوی زرین به قلمرو ممالیک مصر بود که تهدیدی جدی برای دولت ایلخانان به شمار می‌رفت. دوم، تحت کنترل قرار دادن دولت بیزانس و ممانعت از اتحاد آن با دولت‌های متخاصم. سوم، برقراری امنیت در راه‌های خشکی و دریایی مدیترانه منتهی به ایران. طی این سال‌ها مانوئل اول^۱ (۶۳۶-۶۶۲ق/ ۱۲۳۸-۱۲۶۳م) بر طرابوزان حکومت می‌کرد و با زیرکی توانست از فرصت به دست آمده برای افزایش درآمد کشور، از مناسبات تجاری با جهان اسلام بهره ببرد (Winfield, 1962: 169).

گشایش و گسترش راه تجاری شرق و غرب و اهمیت یافتن طرابوزان پس از استقرار ایلخانان بر ایران، موجب شد که در دهه ۶۷۹ق/ ۱۲۸۰م. دولت‌های ونیز و جنوا بار دیگر نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند و مهاجرنشین‌های بازرگانی در آن بندر تأسیس کنند. از سوی دیگر، رونق راه تجاری طرابوزان به تبریز، نه تنها به وفور کالا در هر دو پایتخت کمک کرد، بلکه برقراری ارتباطات فرهنگی میان آنها را نیز موجب شد. به استناد شواهد تاریخی، از آن پس سکه‌های ضرب شده در طرابوزان کمتر با سکه‌های بیزانسی ضرب شده در قسطنطنیه شباهت داشت و بیشتر به سکه‌هایی شبیه بود که در آناتولی و ایران ضرب می‌شد. آن هنگام تعداد زیادی از این سکه‌ها در تبریز مبادله می‌شد (Eastmond, 2004: 93).

راه شمال-جنوب (از دریای سیاه به خلیج فارس) که طرابوزان را به تبریز و از آنجا به خلیج فارس و اقیانوس هند متصل می‌کرد، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای استقرار دولت

ایلخانان در ایران به شمار می‌آید. اهمیت این محور تجاری تا آن اندازه بود که «سیوسیلتن» معتقد است پس از تأسیس دولت ایلخانان، سیاست حاکمان اردوی زرین تصرف تبریز برای در اختیار گرفتن مسیر کلی تجارت شرق و غرب بود. به عقیده وی، از نظر باتو فرمانروای اردوی زرین، تسلط بر تبریز حتی از تسلط کامل بر دریای سیاه نیز مهم‌تر بود (Ciociltan, 2012: 147-148). می‌توان گفت از نظر حاکمان اردوی زرین، جلوگیری از محاصره بری آناتولی توسط ایلخانان فقط با تصرف قفقاز امکانپذیر بود؛ به همین دلیل سلسله‌جنگ‌های میان اردوی زرین و ایلخانان بر سر منطقه قفقاز، نوعی رقابت برای تسلط بر تجارت بین‌المللی آن زمان بود. بیشتر جنگ‌های هلاکو و جانشینان وی با حاکمان اردوی زرین، بر سر ادعاهای ارضی در منطقه قفقاز بود؛ چنان‌که مارکوپولو به جنگ میان هلاکو و برکای در این باره اشاره کرده است (Polo, 1871: 2/424-425). منطقه قفقاز علاوه بر دارا بودن دشت‌های وسیع و مراتع حاصلخیز، دروازه ورود به دریای سیاه و بنادر تجاری آن به شمار می‌رفت.

گشایش راه دریای سیاه به خلیج فارس به دوران ارغون‌خان باز می‌گردد، اما به دلیل رقابت‌ها و جنگ‌های میان ونیز و جنوا، رونق انتقال کالا از این مسیر برای چندین سال به تأخیر افتاد و این موضوع تأثیر عمیقی بر سیاست بین‌المللی ایلخانان و توجه به طرابوزان به عنوان یکی از مراکز اصلی راه شمال-جنوب بر جای گذاشت. در این باره، نخستین مدرکی که از حضور ونیزی‌ها در دربار ایران موجود است، به سال ۶۶۱ق/ ۱۲۶۳م، یعنی دوره هلاکوخان باز می‌گردد که حاوی وصیت‌نامه «پیترو ویلیونه» است که در آن به جواهرات و اشیای بلوری وارد شده از ونیز به ایران اشاره شده است (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز...، ۱۳۵۲: ۱۲).

با توجه به اینکه پس از جنگ چهارم صلیبی (۶۰۰ق/ ۱۲۰۴م) شهر مهم و تجاری «سولدایا» (سوداک) در شمال دریای سیاه به طرابوزان ملحق شد، طی دهه‌های بعد تجارت طرابوزان با ایران اهمیت بیشتری یافت. تأسیس دفتر تجاری توسط ونیزی‌ها در سولدایا همزمان با اوایل دوره ایلخانان و استقرار کنسول ونیز در آن شهر در ۶۸۶ق/ ۱۲۸۷م (Polo, 1871: 1/3) بیانگر اهمیت موضوع است. علاوه بر این، شهر «آنی»^۱ پایتخت باستانی ارمنستان نیز که در دوره دودمان «باگراتید»^۲ راه‌ها و پل‌های متعددی در آن ساخته شده بود، یکی از مسیرهای مهم تجارت طرابوزان با ایران شد (Barthold, 1986: 1/507). گویا این شهر در دوره ایلخانان از طرف حاکمان ایلخانی به عنوان «اینجو» یعنی ملک خاصه سلطنتی تعیین

1. Ani
2. Bagratids

شده بود (Ibid: 508).

در مورد سلطه مستقیم ایلخانان بر طرابوزان، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. فالمرایر^۱ معتقد است بعد از مرگ هلاکو (۶۶۴ق/ ۱۲۶۵م) حاکمیت ایلخانان بر طرابوزان پایان یافت، اما اشیپولر به تداوم این سلطه باور داشته است (Bryer, 1980:346). البته شواهد روشنی در این باره وجود ندارد، اما از آنجا که در دوره ایلخانی اباقا (۶۶۳-۶۸۰ق/ ۱۲۶۴-۱۲۸۱م) سلطه ایلخانان بر آناتولی قوی‌تر شد، می‌توان دریافت که طرابوزان همچنان در کنترل ایلخانان قرار داشته است (Ibid: 346-347).

اباقا در سال ۶۷۶ق/ ۱۲۷۷م. در پی بی‌اعتمادی به دولت سلجوقیان روم، به آناتولی هجوم برد و سلطه مستقیم ایلخانان را بر آن منطقه اعمال کرد. در اسناد «ماتناداران»^۲ به تهاجم اباقا به آناتولی و تعیین حاکم برای طرابوزان اشاره شده است (Ibid: 343-345). نام نهادن سرزمین روم توسط مورخان به «غرب وحشی مغول» و سرزمین فرصت‌ها برای آنها، ناشی از توجه به نقش این منطقه در سیاست تجاری بین‌المللی ایلخانان است (Melville, 2009: 1/52). با این حال، این نکته را نباید از نظر دور داشت که مدت‌ها طول کشید تا طرابوزان به عنوان راه اصلی تجاری دولت‌های پیرامون مدیترانه با ایران و از آنجا به هند و سپس چین تبدیل شود.

سیاست ارغون در رابطه با طرابوزان

دوره کوتاه ایلخانی ارغون (۶۸۳-۶۹۰ق/ ۱۲۸۴-۱۲۹۱م) از نظر رشد مبادلات بازرگانی از طریق مسیر تجاری طرابوزان به تبریز و از آنجا به خلیج فارس، دوره مهمی است. ارغون به محاصره بری آناتولی پرداخت که اساس آن محروم نگه داشتن اردوی زرین و متحدانش از بهره‌گیری از بندر طرابوزان بود. او با ایجاد سیاست دریایی ایلخانان، به این برنامه شتاب بیشتری داد و با اعزام سفیرانی به اروپا، اجرای اقدامات عملی در دریای سیاه و تلاش برای قطع ارتباط دریایی ممالیک از طریق دریای سرخ به خلیج فارس، در این باره کوشش کرد. در دوره او جنوایی‌ها حضور گسترده‌ای در مسیر کاروانی طرابوزان به تبریز داشتند که البته یکی از دلایل آن سیاست خارجی امپراتور طرابوزان بود. در زمان ارغون، امپراتور طرابوزان جان دوم^۳ بود که از سال ۶۷۹-۶۸۹ق/ ۱۲۸۰-۱۲۹۰م. حکومت کرد. او سیاست خارجی خود را به سمت غرب متمایل کرد که یکی از نتایج آن ایجاد مهاجرنشین‌های جنوایی در طرابوزان بود. یکی از دلایل گسترش راه تجاری طرابوزان به خلیج فارس در دوره ارغون، افزایش تنش

1. Fallmerayer

۲. بنیاد و مجموعه اسناد و موزه تاریخی در ایروان، ارمنستان.

3. John II

میان ایلخانان و ممالیک بود. بخشی از این تحولات مربوط به ارمنستان صغیر بود که زیر ضربات مملوکان، مجبور شد از دولت ایلخانان فاصله بگیرد و خود را در پناه دولت مملوکان قرار دهد. همچنین مستحکم شدن سد دفاعی مملوکان در مدیترانه شرقی، به بسته شدن راه ابریشم و راه عراقی ادویه از اقیانوس هند از طریق دجله و فرات به سوریه و ارمنستان صغیر (کیلیکیه) انجامید. در سال ۶۸۴ق / ۱۲۸۵م. یعنی یک سال پس از روی کار آمدن ارغون، رقابت میان ایلخانان و مملوکان به اوج خود رسید؛ زیرا کیلیکیه از زیر سلطه ایلخانان خارج شده و تابع مملوکان مصر شده بود. جنوایی‌ها برای کمک به متحد خویش یعنی ایران تلاش‌هایی کردند، اما موفق نشدند. ضمن اینکه تلاش برای بازگرداندن مسیرهای پیشین تجارت به مدیترانه شرقی از راه ادویه عراقی نیز بی‌نتیجه ماند. بنابراین ارغون همکاری نزدیکی با تاجران جنوایی برای تغییر مسیر تجارت از راه‌های آبی عراقی به راه خشکی از طریق فلات مرکزی ایران کرد که خلیج فارس را به دریای سیاه متصل می‌کرد (Ciociltan, 2012: 35-36). جنوایی‌ها نیز براساس منافع تجاری خود در منطقه نقش آفرینی می‌کردند و کمتر در تنش‌های سیاسی وارد می‌شدند؛ چنان‌که در مناسبات تجاری خود با دو رقیب منطقه‌ای یعنی ایلخانان و اردوی زرین، به صورت یکسان عمل می‌کردند. در همین دوره است که جنوایی‌ها بزرگ‌ترین کشتی ساخته شده خود را در دریای سیاه به کار گرفتند تا بتوانند از ظرفیت آن برای حمل انواع کالاها استفاده کنند (Bryer, 1980: 6-7). حضور یک کلنی جنوایی در تبریز در سال ۷۰۴ق / ۱۳۰۴م. به سرپرستی کنسولی به نام «رافو پالاولیسی‌نی»^۱ نشان‌دهنده وجود ساختار قانونی برای تجارت بازرگانان جنوایی از طریق طرابوزان در قلمرو ایلخانان است (Ciociltan, 2012: 124).

ارغون نیز توجه ویژه‌ای به امنیت دریای سیاه برای انتقال کالاها از طرابوزان به تبریز داشت. مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد ارغون دریاوردان جنوایی را مجهز و مسلح کرد تا مانع از دستبرد راهزنان دریایی به مال‌التجاره بازرگانان در دریای سیاه شوند (Ibid: 158). همچنین نخستین مدرک روشنی که نشان می‌دهد تاجران جنوایی از راه طرابوزان-تبریز برای انتقال کالا استفاده کرده‌اند، به قرارداد بازرگانی امضا شده در کافا در آگوست ۶۸۸ق / ۱۲۸۹م. مربوط است (Ibid: 119). بدین ترتیب مسیر تجاری طرابوزان تا خلیج فارس به یکی از مهم‌ترین راه‌های کاروانی غرب به شرق و شبکه تجارت اوراسیا تبدیل شد و در دوره ارغون‌خان مرکزی مهم و حیاتی برای انتقال کالاها به ایران شد. راه طرابوزان به تبریز در حدود یک ماه مسافت داشت و بخش عمده داروها و ادویه آسیای مرکزی که در بازارهای

اروپایی به فروش می‌رفت، از این راه می‌گذشت. به نظر می‌رسد مقادیر و اوزان و سیستم پولی طرابوزان و تبریز هم یکسان شده بود تا امر تجارت تسهیل شود (Bryer, 1980: 339). برنامه محاصره بری آناتولی با محوریت طرابوزان و سیاست دریایی ارغون و ارتباط گسترده با جنوایی‌ها، موجب شد که در دهه ۷۰۰ق / ۱۳۰۰م. یعنی در دوره غازان و الجایتو، استفاده از محور بازرگانی دریای سیاه-خلیج فارس به اوج خود برسد و نمایندگان اصلی این فعالیت بازرگانی نیز جنوایی‌ها بودند.

علاوه بر جنوایی‌ها، سایر دولت‌های اروپایی آن زمان نیز در اندیشه استفاده از مسیر طرابوزان-تبریز برای تجارت و روابط سیاسی افتادند. در همین زمان است که شاه ادوارد اول پادشاه انگلستان (حک: ۶۷۱-۷۰۷ق / ۱۲۷۲-۱۳۰۷م)، هیئتی مرکب از بیست نفر به دربار ارغون فرستاد. اعضای این هیئت از مسیر طرابوزان-تبریز به ایران آمدند. البته قبل از رسیدن آنها به تبریز، ارغون‌خان از دنیا رفته بود (Ibid: 375). این هیئت در پاسخ به دعوت ارغون برای اتحاد علیه مملوکان مصر، به دربار ایلخانان اعزام شده بود. پیش از آن ارغون دو سفارت به دربارهای رم، پاریس و لندن فرستاده بود (Ciociltan, 2012: 117). یکی از این هیئت‌های اعزامی به اروپا، به سرپرستی «ربان صوما» بود که از راه طرابوزان و دریای سیاه به قسطنطنیه رفت و از آنجا عازم ایتالیا و سپس مناطق دیگر اروپا شد (گروسه، ۱۳۶۵: ۶۱۰).

براساس گزارش‌های روزانه سفیر وقت انگلستان، اقلام و کالاهای متعددی از این مسیر حمل و نقل می‌شد. تجارت انواع پوست، لباس‌های خز و چرم، انواع کفش، بردگانی که توسط تاتارهای روسیه آورده شده بودند و اقلام دیگری که در بازار طرابوزان به وفور یافت می‌شد (Bryer, 1980: 388).

اهمیت سیاسی و اقتصادی رونق یافتن مسیر طرابوزان-تبریز، علاوه بر افزایش ثروت دربار ایلخانان و بهره‌مندی اروپایی‌ها از امنیت راه‌های منتهی به اقیانوس هند و دریافت انواع ادویه و کالاها از شرق دور و آسیای مرکزی، کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی بین‌النهرین به‌ویژه بغداد بود؛ موضوعی که برای دهه‌های آینده و حتی بعد از فروپاشی ایلخانان نیز همچنان ادامه یافت. گزارش «گیوم آدام»^۱ اسقف سلطانیه در دوره ارغون به پاپ نشان می‌دهد که ارغون از یک سو برنامه وسیعی برای توسعه راه طرابوزان به خلیج فارس و از آنجا به هند و چین و از سوی دیگر، به دریای سرخ در نظر گرفته بود (Hodgson, 1910: 328). ادامه محاصره بری آناتولی و سیاست تجاری در مورد رونق راه شمال-جنوب (طرابوزان-هرموز)، موجب رونق شهرهای مهم ایران از تبریز و سلطانیه تا کاشان، اصفهان و یزد شد. گزارش‌هایی از ایجاد کارخانه

ابریشم در یزد برای صادرات وجود دارد (Ibid: 328).

طرابوزان از دوره غازان تا پایان ایلخانان

سیاست‌های ایلخانان اولیه به‌ویژه از زمان ارغون، به رونق راه تجاری طرابوزان-تبریز-هرموز انجامید و همکاری‌های میان ایلخانان و دولت‌های ایتالیایی جنوا و ونیز را افزایش داد. از آن پس سیاست اصلی بازرگانی ایلخانان همچنان حفظ راه بازرگانی طرابوزان بود. به نظر می‌رسد برای تسهیل در امر تجارت و رونق مبادلات بازرگانی راه طرابوزان تا هرموز و نظارت دقیق‌تر بر صادرات و واردات کالاها بود که غازان‌خان تصمیم به یکسان‌سازی اوزان و مقادیر گرفت. رشیدالدین فضل‌الله در حکایات بیستم و بیست‌ویکم از داستان اقدامات غازان، به موضوع خالص کردن عیار زر و نقره و یکسان‌سازی اوزان و پیمان‌ها و مقادیر در سراسر مملکت پرداخته است. این حکایات نشان می‌دهند که دغدغه ایلخان بی‌نظمی در امر تجارت و عدم یکپارچگی قوانین تجاری در سراسر مملکت بود (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۵۷-۱۴۶۶).

ساخت مرکز تجاری در تبریز با ایجاد کاروان‌سراهای بزرگ، انواع مغازه‌ها و کارگاه‌های تولیدی که از زمان غازان شروع شد و در دوره اولجایتو ادامه یافت، در راستای همین سیاست رونق راه بازرگانی طرابوزان-تبریز-هرموز بود؛ چنان‌که جنوایی‌ها و ونیزی‌ها نیز از این شرایط بهره بسیار بردند. این سیاست‌ها موجب شکوفایی بازرگانی تبریز و فراوانی انواع کالاهایی شد که از چهار گوشه جهان به این شهر وارد می‌شد و در نتیجه انگیزه‌ای قوی برای تاجران و سفیران و مبلغان ونیزی و جنوایی در پیمودن راه‌های طولانی برای رسیدن به این شهر شد (Ciociltan, 2012: 136).

در دوره غازان علاوه بر توجه به نقش طرابوزان در تجارت شرق و غرب، اهمیت سیاسی آن نیز استمرار یافت. در زمان او طرابوزان به ثروت و قدرت بیشتری دست یافت و مورد توجه اقوام و دولت‌های همسایه قرار گرفت. این دوره مصادف با حکومت «آلکسیوس دوم»^۱ بر طرابوزان بود که از ۶۸۹-۷۳۱ق/ ۱۲۹۰-۱۳۳۰م، یعنی تا اواخر دوره ابوسعید ایلخانی حکومت کرد. رشیدالدین فضل‌الله از هجوم ترکمانان بیابانگرد به طرابوزان گزارش داده است (همدانی، ۱۳۶۴ق/ ۱۹۴۵م: ۲۶۳، ۲۷۵). از پیامدهای این یورش نزدیکی بیشتر دولت طرابوزان به ایلخانان برای حفظ امنیت خود در برابر مهاجمان بود. اتفاقی که در دوره هلاکو و امپراتوری میخائیل هشتم پالئولوگوس افتاده بود. از این زمان تا پایان دوره ایلخانان، عملیات نظامی مغول‌ها عامل اصلی ممانعت ورود بیابانگردان به ناحیه پونتوس در آناتولی مرکزی و از جمله

نواحی پیرامون طرابوزان بود (Shukurov, 2006: 34). براساس گزارش رشیدالدین فضل‌الله، در حدود سال ۷۰۱ق/۱۳۰۱م. مغولان عملیات نظامی گسترده‌ای در سرتاسر ناحیه پونتوس از سامسون تا ابخازیا به راه انداختند. این رویدادها که در منابع گرجی نیز بازتاب یافته است (Ibid: 34)، موجب توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایلخانان با طرابوزان شد و گامی مهم در موفقیت ایلخانان در محاصره بری آناتولی به شمار می‌رفت.

بی‌جهت نیست که از آن پس مسیر طرابوزان تا تبریز و از آنجا به خلیج فارس اهمیتی بیش از پیش یافت. البته اختلافات و گاه جنگ‌های میان ونیز و جنوا هم بر میزان دسترسی هر یک از این دولت‌شهرهای ایتالیایی به این مسیر تجاری تأثیر می‌گذاشت. در سال ۷۰۴ق/۱۳۰۵م. هنگامی که اولجایتو به ونیزی‌ها پیشنهاد عالی اجازه تجارت در ایران را داد، ونیزی‌ها نتوانستند از آن استفاده کنند؛ زیرا مفاد قرارداد میلان (۶۹۹ق/۱۲۹۹م) که در پی جنگ ونیز و جنوا در سال‌های ۶۹۴-۶۹۹ق/۱۲۹۴-۱۲۹۹م. بسته شد، هرگونه دسترسی ونیزی‌ها به دریای سیاه را که منتهی به دولت مغولان می‌شد، ممنوع کرده بود (Ciociltan, 2012: 132). ضمن اینکه در سال ۷۰۶ق/۱۳۰۶م. جنوایی‌ها دژ «لئوناسترو»^۱ بالاترین نقطه شهر طرابوزان را از آن خود کردند و چند سال بعد (۷۱۴ق/۱۳۱۴م) بر اسلحه‌سازی و کشتی‌سازی آنجا نیز مسلط شدند (Grinevetsky and Others, 2015: 761). در سال ۷۱۵ق/۱۳۱۵م. نمایندگان بانک «ویوالدی»^۲ جنوا برای بررسی راه تجاری غرب به شرق، از تبریز تا هرموز و از آنجا تا هندوستان، اعزام شدند و چند سال بعد دفاتری در سواحل خلیج «کامبای»^۳ و ساحل «مالابار»^۴ تأسیس کردند (Prawdin, 1967: 353). طی آن سال‌ها سه نقطه استراتژیک در اطراف دریای سیاه در اختیار جنوایی‌ها قرار داشت: پرا،^۵ کافا و طرابوزان. محصولات از قبیل نمک، غلات، خز، ماهی، پنیر و شراب توسط جنوایی‌ها از این مسیر به ایران وارد می‌شد (Grinevetsky and Others, 2015: 761).

از اسناد ونیزی‌ها چنین استنباط می‌شود که ونیزی‌ها و جنوایی‌ها به مقامات محلی دستور می‌دادند که شرایط مبادله کالا با ایلخانان را تسهیل کنند و اصرار داشتند امپراتور طرابوزان امتیازات مالی برای تاجرانی که از قلمرو ایلخانان می‌آمدند، اعطا کند تا آنها نیز بتوانند از موقعیت به دست آمده استفاده کنند (Di Cosmo, 2005: 411). توصیف «القاشانی» مورخ عصر ایلخانی از ساخت شهر سلطانیه به دستور اولجایتو و رونق بازارهای آن که به قول وی «افزون

1. Leonastro
2. Vivaldi
3. Cambay
4. Malabar
5. Pera

بر ده هزار دکان معمور و پر از کالاها نظیر دیبای چینی، نفایس و ظروف جواهر و اهل حیرت و بزازان و تجار معتبر در آن حضور دارند» (القاشانی، ۱۳۸۴: ۴۶)، بیانگر شکوفایی راه‌های تجاری این دوره و ثروت حاصل از آن است. چند سال بعد سلطانیه به مرکز بزرگ تجارت بین هند و اروپا تبدیل شده بود. گزارش مورخان و مسافران از این شهر که بر سر راه طرابوزان به هرموز قرار داشت، حاکی از تعداد زیاد مسیحیان و تعدد کلیساهای موجود در آن است (Jordanus, 1839: 8, Introduction). «فریاریان جوردانو»^۱ که در حدود ۷۳۱ق/ ۱۳۳۰م، در دوره ابوسعید ایلخانی به شرق سفر کرده بود، در سفرنامه خود با عنوان عجایب شرق^۲ از انتخاب سراسقف سلطانیه توسط پاپ سخن گفته است (Ibid: 7, Introduction). نکته مهم در سفرنامه او، درباره اهمیت طرابوزان برای ایلخانان آنجاست که نوشته است: «امپراتوری پارس از طرابوزان آغاز می‌شود که یک شهر یونانی است این امپراتوری تا دوردست‌ها کشیده شده و شامل آسیای صغیر، کیلیکیه، ماد، کاپادوکیه، لیکیه، ارمنستان بزرگ، کلده، گرجستان، بخشی از بلندی‌های خزر و مغان و و همه ایران با بعضی قسمت‌های هند کوچک^۳ است و وسعت این امپراتوری از دریای سیاه تا دریای هند گسترده است» (Ibid: 53).

ابوالفداء ضمن اشاره به نام قدیم آن یعنی «طرابزنده»، از آن با نام طرابزون به عنوان قرضه‌ای مشهور یاد کرده است (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۵۳). حمدالله مستوفی (۶۸۰-۷۵۰ق/ ۱۲۸۱-۱۳۴۹م) نیز در کتاب *نزهة القلوب طرابوزان*، قبرس و سیس^۴ را در قلمرو ایران و خراج‌گزار ایلخانان دانسته است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۵۳). این گزارش‌ها نشان می‌دهد که تا دوره آخرین ایلخان در ایران، محاصره بری آناتولی - که به محروم شدن ممالیک و اردوی زرین از مسیر زمینی منتهی می‌شد - به تداوم تسلط بر آن منطقه منجر شده بود.

اهمیت راه تجاری طرابوزان به عنوان نقطه اتصال تجارت شرق و غرب، در دوره ابوسعید ایلخانی بیش از پیش ادامه یافت و بر رونق شهرهای داخلی ایران به‌ویژه تبریز بسیار اثر گذاشت. اسناد و مکاتبات موجود ونیزی‌ها با دولت ایلخانان در این دوره حاکی از برتری این دولت‌شهر (ونیز) بر رقیب دیرینه‌اش جنوا، برای برقراری روابط تجاری با ایران است. در یکی از قراردادهای میان سفیر ونیز با ابوسعید ایلخانی، به اعطای امتیازاتی به تاجران ونیزی در ایران، گشودن کنسولگری ونیز در ایران و ساخت خانه‌هایی برای راهبان مسیحی اشاره شده است (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی،

1. Friar Jordanus
2. The Wonders of the East

۳. منظور از هند کوچک افغانستان امروزی است.

۴. سیس شهر و منطقه‌ای در آسیای صغیر است.

۱۳۵۲: ۱۳). این همه نیز با بهره‌گیری انحصاری از بندر طرابوزان امکانپذیر بود. «اودوریک» اهل «پوردنون» (۶۶۴-۷۳۲ق/ ۱۲۶۵-۱۳۳۱م) مبلغ فرقه فرانسویسن و از جمله مسافرانی است که در دوره ابوسعید از مسیر طرابوزان و تبریز وارد قلمرو ایلخانان شد و پس از گذشتن از سلطانیه، کاشان و یزد به هرموز رفت و از آنجا عازم شرق شد (Odoric, 1937: 215). توضیحات وی در مورد رونق بازارهای شهرهای ایران و فراوانی کالا در این بازارها گویای تجارتی است که طرابوزان در آن نقش مهمی میان ایران و اروپا داشت (Ibid: 214-215). همچنین «فرانچسکو بالدوجی پگولوتی» (۶۸۹-۷۴۸ق/ ۱۲۹۰-۱۳۴۷م) تاجر و نویسنده ایتالیایی که در سال ۷۳۶ق/ ۱۳۳۵م. در ارمنستان صغیر بوده، مسیرهای تجاری غرب و شرق را به صورت دقیق توصیف کرده و راه زمینی آسیای صغیر به تبریز و قوانین مربوط به تجارت در این مسیر و شهرها را به خوبی توضیح داده است (Di Cosmo, 2005: 399).

ابن فضل‌الله العمری (متوفای ۷۴۹ق/ ۱۳۴۹م) مورخ و نویسنده برجسته عرب، ضمن آنکه حدود قلمرو ایران را تا انتهای سرزمین سلجوقیان روم و حتی بندر «آلایا» در ساحل مدیترانه دانسته (العمری، ۲۰۱۰: ۱۵۹/۳)، از ثروت سرشار تبریزی‌ها نیز یاد کرده است (همان، ۱۶۱). همچنین قلقشندی (۷۵۶-۷۹۱ق/ ۱۳۵۵-۱۴۱۸م) ناحیه قفقاز و شهرهای متعدد پیرامون آن را با عنوان «مملکه ایران الشمالي» یاد کرده است (القلقشندی، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م: ۳۵۲/۴). بندرگاه اصلی و منحصر به فرد این قلمرو در ساحل دریای سیاه نیز طرابوزان بود.

در دوره ابوسعید قراردادهایی با ونیزی‌ها بسته شد که تعدادی از آنها حاوی تعهدات دو طرف در مورد قوانین، اوزان و امنیت راه‌های طرابوزان بود. از جمله در سال (۷۲۰ق/ ۱۳۲۰م) یک سفیر ونیزی به نام «میشل دلفینو»^۱ از راه طرابوزان به تبریز آمد و قراردادی به همین منظور با ابوسعید بست (Hodgson, 1910: 330-331). اسناد ایتالیایی نیز از فعالیت گسترده تاجران اهل طرابوزان در منطقه و راه‌های بین‌المللی آن خبر می‌دهند (Karpov, 2012: 79) که بیانگر رونق تجارت در این دوره است. ضمن اینکه مناسبات تجاری ایران با طرابوزان موجب حضور ایرانیان در طرابوزان شده بود. شکوروف در بررسی آماری خود از حضور خارجی‌ها در طرابوزان طی قرن‌های سیزده تا پانزده میلادی، نوشته است که از منابع مختلف در حدود ۱۵۰۰ نام خانوادگی و کنیه از ساکنان طرابوزان استخراج کرده که ۴۰ درصد آنها یونانی و حدود ۶۰ درصد ریشه شرقی از جمله ترکی و مغولی، ایرانی و عربی دارند. وی به نفوذ ویژه‌های فارسی در طرابوزان در این دوره اشاره کرده که مربوط به تجارت است. از جمله آنها

1. Michele Delfino

واژه‌های «میدان» (مکان تجمع و مبادلات) و «بازار» است (Shkurov, 2012: 72, 77). با مرگ ابوسعید در ۷۳۶ق/۱۳۳۵م. و فروپاشی دولت مرکزی ایلخانان، دوره رقابت میان جنگ‌سالاران و حاکمان محلی در ایران آغاز شد که تا آمدن تیمور و برانداختن حکومت‌های محلی و منطقه‌ای در پایان همین قرن ادامه یافت. ناامنی راه‌ها و گسترش بیماری طاعون موسوم به «مرگ سیاه»^۱ موجب کاهش رفت‌وآمد تاجران شد و به تدریج طرابوزان اهمیت سابق خود را از دست داد. محاصره بری آسیای صغیر نیز بدین ترتیب پایان یافت. پس از این واقعه، بقایای دولت مغولی اردوی زرین، تجارت خود با مصر تحت فرمان مملوکان را آسان‌تر انجام می‌دادند.

نتیجه‌گیری

در بررسی موقعیت طرابوزان برای دولت ایلخانان، الگوی محاصره بری قرن نوزدهم اروپا قابل تعمیم به آناتولی در قرون سیزدهم و چهاردهم، در برهه زمانی دولت ایلخانان دیده شد. بدین ترتیب که ایلخانان تلاش کردند تا شبه‌جزیره آناتولی را که سه سمت شمال، جنوب و غرب آن به وسیله دریا احاطه شده است، از درون (از خشکی) و نه از بیرون (دریا) از دسترس دولت‌های اردوی زرین در روسیه و مملوکان در مصر و شام دور نگه دارند. آن هنگام شرق آناتولی در قلمرو ایلخانان بود که تا نواحی مرکزی آن را هم در برمی‌گرفت؛ یعنی قلمروی که از دولت سلجوقیان روم دریافت کرده بودند. سمت غرب آناتولی به مرزهای زمینی بیزانس می‌رسید که در پیشروی‌های نظامی هرچند آرام اما مستمر ترکمانان، شرایط مناسبی برای عبور کاروان‌های تجاری وجود نداشت. جنوب این شبه‌جزیره در اطراف بندر اسکندرون نیز در اختیار دولت ارمنستان صغیر بود که تبعیت از مملوکان را گردن نهاد؛ هرچند که پیش از آن مدت‌ها متحد و تابع ایلخانان بود و در مرز شام جبهه دولت ایلخانان در قبال مملوکان را حمایت می‌کرد؛ مسیری که جنگ‌های دائمی در آن ضربه شدیدی به تجارت آناتولی با شام می‌زد. بعدها که دولت ارمنستان صغیر از ایلخانان روی برگرداند، این مرز به داخل آناتولی کشیده شد، اما همچنان تردد کاروان‌ها میان آناتولی و شام چندان رونقی نگرفت.

در سراسر مرز عراق با شام نیز که در امتداد رود فرات قرار داشت، تجارت چندانی در کار نبود. بدین ترتیب برای دولت ایلخانان که با هدف دسترسی به سواحل مدیترانه به شام لشکر می‌کشید، در عمل هیچ‌گاه این دسترسی ممکن نشد و آناتولی مرکزی محروم از دسترسی به دریا باقی ماند؛ مگر آنکه از تنها بندر شمالی آن یعنی طرابوزان استفاده می‌کرد. در واقع حتی

قبل از ایلخانان مغول، شهرهای آناتولی مرکزی دچار این محرومیت نسبی از دسترسی به دریا بودند. امری که می‌توان آن را به نوعی محاصره بری تعبیر کرد. طی این دوران نه تنها طرابوزان تنها بندر فعال و گشوده آناتولی به شمار می‌آمد، بلکه سیر تحولات چنان شد که در منازعه دولت ایلخانان با دولت‌های اردوی زرین و ممالیک، به صورت بندری انحصاری برای دولت ایلخانان درآمد. در عمل دو دولت اردوی زرین و ممالیک از دسترسی به این بندر محروم شده بودند و این نه با بستن راه آنها در دریای سیاه، بلکه عدم امکان دسترسی آنها از راه‌های زمینی که از شام و جنوب آناتولی به سمت شمال و بندر طرابوزان می‌رفت، صورت می‌گرفت. در عوض، راه طرابوزان به تبریز و از آنجا تا هرموز رونق یافت و شرکای تجاری ایلخانان چون ونیز و جنوا امکان استفاده از بندر طرابوزان را یافتند. نتیجه فوری این محاصره بری آناتولی، صرف نظر کردن مملوکان و اردوی زرین از مسیرهای تجاری آن سرزمین بود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب آذربایجان به عنوان مرکز حکومت ایلخانان، نه تنها در مقابله و رقابت آنها با اردوی زرین و جلوگیری از پیشروی آن دولت در مناطق جنوبی قفقاز دارای اهمیت اساسی بوده، بلکه در جهت‌گیری سیاسی و تجاری آینده ایلخانان و پیوند دادن راه‌های تجاری شرق و غرب از طریق آناتولی بسیار تعیین کننده بود. این نیز با منحصر کردن طرابوزان به عنوان یک بندر تجاری در آناتولی و انحصاری کردن آن برای دولت ایلخانان بود که با سیاست محاصره بری آن سرزمین صورت گرفت.

منابع و مأخذ

- ابن بی‌بی، یحیی بن محمد بن علی (۱۹۰۲م)، *مختصر سلجوقنامه*، به اهتمام م. ه. هوتسما، از روی چاپ لیدن.
- ابن حوقل (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی (۱۳۵۲)، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۰)، *مسالک و ممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوینی، علاءالدین عطاملک محمد (۱۳۹۱)، *تاریخ جهانگشای*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- العمری، شهاب‌الدین احمد بن یحیی بن فضل الله (۲۰۱۰)، *مسالک الابصار فی ممالک الامصار*، تحقیق کامل سلمان الجبوری و مهدی النجم، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.

۹۰ / جایگاه طرابوزان در محاصره بری آناتولی توسط ایلخانان مغول / احمد فضل‌نژاد و...

- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- القلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م)، *صبح الاعشى فی کتابه الانشاء*، شرح و تعلیق محمدحسین شمس‌الدین، ج ۴، بیروت: الدار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- گروسه، رنه (۱۳۸۷)، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجهول المؤلف (۱۳۷۵)، *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۱)، *نزهة القلوب*، تصحیح و تحشیه محمد دبیر سیاقی، بخش نخست، مقاله سوم، قزوین: حدیث امروز.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۴ق / ۱۹۴۵م)، *مکاتبات رشیدی*، به اهتمام و تصحیح محمد شفیع، لاهور: ایجوکیشنل پریس.
- (۱۳۷۳)، *جامع التواریخ*، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، تهران: البرز.

List of sources with English handwriting

- Abu'l-Fedā, 'Emād al-Dīn Esmā'īl (1349 Š.), *Taqvīm al-Boldān*, Translated by 'Abd al-Hamīd Āyatī, Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [In Persian]
- Al- 'Amrī, Šahāb al-Dīn Ahmad b. Yahyā b. Faẓl allāh (2010), *Masālek al-Abšār fi Mamālek al-Amšār*, ed. Salmān al-Jabūrī va Mahdī al-Najm, Vol. 3, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīyeh.
- Eṣṭakrī, Abu Eshāq Ebrāhīm (1349 Š.), *Masālek va Mamālek (tarjome-ye fārsī-ye masālik al-mamalālik)*, Translated by Iraj Afšār, Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb. [In Persian]
- Ibn bībī, Yahyā b. Mohammad b. 'Alī (1902), *Muḩṩašar-e Saljūqnāmeḩ*, ed. Martijn Theodoor Houtsma, based on Leiden Print.
- Ibn ḩowqal (1366 Š.), *Safarnāmeḩ Ibn ḩowqal (Iran dar Sūrat al-'Arz)*, Translated by Jafar Šuār, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Jovaynī, 'Alā al-Dīn 'Atāmalek Mohammad (1391 Š.), *Tārīḩ-e Jahāngošā*, ed. Mohammad Qazvīnī, Tehran: Negāh. [In Persian]
- Ketābkāneh Markazīva Markaz-e Asnād-e Dānešgāh-e Tehrān (1352 Š.), *Asnād-e Marbūṩ be Ravābeṩ-e Tārīḩī-ye Irān va Jomhūrī-ye Venīz az dorye Elkānān tā 'Asr-e Safavī*. [In Persian]
- Mas'udī, 'Alī b. Hossein (1374 Š.), *Morūj al-zahab va Ma'aden al-Javāher*, Translated by Abu al-Qasem Pāyandeh, Vol. 1, Tehran: 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Mostofi Qazvīnī, ḩamd allāh (1381 Š.), *Nozhat al-Qolūb*, Part 1, 3th Article, ed. Moḩammad Dabīrsīyaqī, Qazvin: ḩadīṩ-e Emrūz. [In Persian]
- Al-Qāšānī, Abu'lqāsem 'Abd allāh b. Mohammad (1384 Š.), *Tārīḩ-e Uljāyṩu*, ed. Mahīn Habelī, Tehran: 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Al-Qalqašandī, Abu'l 'Abbas Aḩmad b. 'Alī (1407/ 1987), *Šobḩ al-'Ašā fi Ketābe al-Enšā*, ed. Moḩammad ḩossein Šams al-Dīn, Vol. 4, Beirut, Lebanon: Al-Dar al-Ketāb al-'Elmīyah.
- Rašīd al-dīn Faẓl allāh (1373 Š.), *Jāme' al-Tavārīḩ*, ed. Mohammad Roshan va Moṩṩafā Mūsavī, Vol. 2, Tehran: Alborz. [In Persian]
- Rašīd al-dīn Faẓl allāh (1364/ 1945), *Mokātebāt-e Rašīdī*, ed. Mohammad Šafī', Lahore: Educational Press.
- *Tārīḩ-e Āl-e Saljūq dar Ānātolī* (1375 Š.), Unknown Author, ed. Naereh Jalālī, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]

References in English

- Barthold, W (1986). "Ani", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol I, Edited by H. A. R. Gibb and others, Leiden: Brill.
- Bryer, Anthony A. M (1980). *The Empire of Trebizond and the Pontos*, London: Variorum Reprints.
- Ciociltan, Virgil (2012). *The Mongols and the Black Sea Trade in the Thirteenth and Fourteenth Centuries*, Translated by Samuel Willcocks, Leiden, Boston: Brill.
- Darley-Doran, (1995). "Saldjukids", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol VIII, Edited by C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs and G. Lecomte, Leiden: Brill.
- Di Cosmo, Nicola (2005). "Mongols and Merchants on the Black Sea Frontier in the Thirteenth and Fourteenth Centuries: Convergences and Conflicts", in *Mongols, Turks and Others Eurasian Nomads and the Sedentary World*, edited by Reuven Amitai and Michal Biran, Brill, Leiden, Boston, pp 391-424.

- Eastmond, Antony (2004). *Art and Identity in Thirteenth-Century Byzantium, Hagia Sophia and the Empire of Trebizond*, England: Ashgate Publishing Limited.
- Faroqhi, Suraiya (2000). "Tarabzun", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol X, Edited by P.J. Bearman, TH. Bianquis, Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, Leiden: Brill.
- Grinevetsky, Sergei R. and others (2015). *The Black Sea Encyclopedia*, Springer.
- Grousset René (1948), L'empire Des Steppes Attila, Gengis Khan, Tamerlan, Payot.
- Hodgson, F.C (1910). *Venice in the Thirteenth and Fourteenth Centuries a Sketch of Venetian History from the Conquest of Constantinople to the Accession of Michele Steno. A.D. 1204-1400*. London: George Allen and Sons.
- Jordanus, Friar (1839). *The Wonders of the East*, Translated from the Latin original, by Colonel Henry Yule, C. B, F.R.G.S, London: Printed for the Hakluyt Society.
- Karpov, Sergei (2012). "New Archival Discoveries Concerning the Empire of Trebizond", in *Gamer*, 1, 1. Pp. 73-85.
- Laiou, Angeliki E, Editor in Chief (2002). *The Economic History of Byzantium: From the Seventh through the Fifteenth Century*. Vol 1, USA: Dumbarton Oaks Studies.
- Melville, Charles (2009). "Anatolia under the Mongols", in: *The Cambridge history of Turkey*, Vol 1, Cambridge University Press.
- Odoric of Pordenone (1937). "The journal of Friar Odoric [1318-1330]" in *Contemporary of Marco polo (Consisting of the Travel records to the Eastern Parts of the World" William of Rubruck [1253-1255]; The Journey John of Pian de Carpini [1245-1247]; The journal of Friar Odoric [1318-1330] &' The Oriental Travels of Rabbi Benjamin Tudela [1160-1173]*, Edited by Manuel Komroff, Liveirght Publishing Corp., New York, pp 212-250.
- Polo, Marco (1871). *The Book of Ser Marco Polo the Venetian Concerning the Kingdoms and Marvels of the East*, In Two Volumes, Translated and Edited with Notes by Colonel Henry Yule, C.B. London, John Murray, Albemarle Street.
- Prawdin, Michael (1967). *The mongol Empire its Rise and Legacy*, Translated by Eden and Cedar Paul, London George Allen and Unwin, Ltd.
- Shukurov, Rustam (2006). "Two Waves of Nomadic Migration in the Pontos in the Thirteenth-Fourteenth Centuries", *International Journal of Black Sea Studies*, 1:29-44.
- Shukurov, Rostam (2012). "Foreigners in the Empire of Trebizond (the Case of Orientals and Italians)" in In: *At the crossroads of empires. 14th - 15th century Eastern Anatolia (Symposium)*, p. 71-86
- Winfield, David (1962). "A note on the south-eastern borders of the empire of Trebizond in the thirteenth century", in *Anatolian Studies*, published by British institute at Ankara, vol 12, pp. 163-172.

Trebizonds' status in the Anatolian Blockade by Ilkhanids¹

Ahmad Fazlinejad²
Abdolrasool Kheirandish³

Receive 14/5/2019
Accept: 21/12/2019

Abstract

During the fifty-years of the Mongol invasion, Anatolia (Asia Minor) became increasingly important for the Mongols. After the establishment of the Ilkhanids Mongol government in Iran, the eastern and central parts of Anatolia was seized by Ilkhanids. Until the end of their rule, they extended their domains to the borders of the Byzantine Empire. Henceforth, Ilkhanids important goal was to cut off the relationship between the Golden Horde, the Russian Mongol, and the Mamluks in Egypt and Syria. Practically, to prevent the development of the relations of these rivals, the Ilkhanids made some kind of Anatolian blockade, which enjoyed great success in using the port of Trebizond. In the middle of this relationship, the Byzantine Empire, whose capital was Constantinople, had a commercial significance. Therefore, the Ilkhanids government was forced to establish friendly relations with the Byzantine Empire. To maintain its commercial life, Byzantine Empire had to create a trade balance with the Venice and Genoa republics which had commercial relations with the ports of Kaffa in the north of the Black Sea and Alexandria in the southern Mediterranean. This was also not something the Ilkhanids government could ignore. At the same time, the port of Trebizond, which was exclusively available to the Ilkhanids, was the main focus of its policy towards all the activists mentioned above, and during the thirteenth and fourteenth centuries, this port entered into the stage of trade and politics of the Black Sea.

Keywords: Trebizonds, Blockade, Ilkhanids, Golden Horde, Mamluks

1. DOI: 10.22051/hii.2020.25920.2000

2. Associate Professor, Department of History, Shiraz University (Corresponding Author); fazlinejad@shirazu.ac.ir

3. Professor, Department of History, Shiraz University; akheirandish@roze.shirazu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493